

نیروی ازلی هستیم که مولانا و حافظ عزیز به عشق «او» آن همه اشعار سحرانگیز را سرودند.

از مام زمین خوب مراقبت کنیم

عنوان «وحشت بزرگ» به منظور اشاره بدین حقیقت بود که انسان متمدن ده ها سال است که مشغول تخریب محیط زیست بوده ولی انگار که توجهی به وخاومت اوضاع ندارد درست همانند کبکی که سر دربرف کوهساران کرده و از اطراف و حواشی خود سخت بی خبر باشد. بر ماست که تا خیلی دیر نشده به خود آیم و از این سیاره گردان که بی امان به دور خود و به دور خورشید می گردد تا ما «نانی به کف آورده و به غفلت نخوریم» مراقبت بهتری به عمل آوریم (۷) زیرا که بدون هوای پاک و آب زلال و غذای تمیز، تندرستی و حتی «اگزستانس» بنی آدم را خطراتی سطرک در کمین خواهد بود. هجوم سیل آسای زهرهای شیمیایی بدن جانداران را در شرایطی قرار می دهد که در طی هزاران هزار سال سیر تکامل هرگز با امثال آن روبرو نبوده اند.

مهمترین عالم استیصال و استنزاف محیط زیست همانا کاربرد زاید الوصف مواد پتروشیمیایی و انساج مصنوعی نظیر پلاستیک و لاستیک و بیش از ۸۶۰۰۰ ماده سمی دیگر است که متأسفانه عصر جدید بر آن استوار است. اکثر مظاهر تمدن مانند اتومبیل و هواپیما و البسه، رنگ در دیوار، اثاثیه منزل، نیروی برق، تهویه مطبوع، کودهای شیمیایی، مواد حشره کش. و غیره و غیره همه از نفت و مشتقات آن و یا به کمک آنها صنعت می شود. این ها از یک سوی وسیله رفاه و آسایش اند و از سوی دیگر انواع مرض ها را ایجاد می کنند. آیا می دانید که یک علت کسالت شما ممکن است همان پاره پلاستیکی باشد که بدون دغدغه خاطر دور می اندازید؟ تکرار می کنم: انساج مصنوعی نظیر پلاستیک و لاستیک هرگز کاملاً از بین نمی روند زیرا که در طبیعت مستحیل نمی شوند. این است که بلاد بزرگ ما (مثلاً تهران و سن حوزه) از نغمه بلبلان و جیک جیک گنجشکان و بغوغوی کبوتران و جست و خیز خرگوشان خالی است. (۸) با کمی تخیل شاید بتوان گمان کرد که این همه بلا که بر زمین می بارد، و این همه نفت که «ملاخور»! می شود شاید به دلیل لعن و نفرین «دایناسورها» باشد که میلیون ها سال پیش این هیولاهای کوه پیکر را بلعید و در اعماق خود تبدیل به نفت کرد.

خطر سموم پتروشیمیایی در چیست؟

بطور کلی مراد از سم یا زهر موادی است که قابل استفاده بدن نیستند و برعکس در اعمال حیاتی بدن ایجاد اغتشاش و اختلال می کنند. از پایان جنگ جهانی دوم به بعد بیش از ۸۶۰۰۰ ماده شیمیایی مستحاذ از نفت وارد محیط زیست شده است. از این میان در حدود ۳۰۰۰ قلم - مقادیر هنگفت یعنی بالغ بر یک میلیون «پاوند» در سال تولید و مصرف می شود که از اثرات ۷۵ درصد آنها روی بدن کوچکترین اطلاعی در دست نیست. دنباله مطالب در صفحه ۴۲



گفتم: «آبی چند بر آن آویخته»
گفتا: «نه پشت پای را از آن گردی»
گفتم: «نه کف پای را از آن دردی!»

البته که حق با این دوست خیرخواه است. برملا کردن بعضی حقایق «آمد نیامد» دارد و به مصداق کتاب پر رمز و راز «کلیله و دمنه» ممکن است به سر آدم همان رسد که به سر «نا هویدای» (!) لاک پشت رسید.

هدف بنده انتهاج افکار، تنویر اذهان، و اعتلای آگاهی توده هاست «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید».

وحدت وجود

علت این همه تاکید روی «محیط زیست» این است که کلیه عالم هستی یکی است و وحدت وجود دارد. اگر امروزه گنجشکان از بین می روند آیا بعید نیست که ده یا صد سال دیگر نوبت آدمیان باشد؟ در طول هزاران هزار سال، جمیع جانداران دوش بدوش یکدیگر رشد و توسعه و تحول و تکامل یافته اند و حیات ومیات آنان با زنجیر نامرئی خلقت بهم مرتبط بوده است. علی رغم تفاوت های ظاهری، فرقی زیادی در فیزیولوژی جانداران وجود ندارد. حیوانات در حین استعانت متقابل از همدیگر تغذیه هم می کنند. به عبارت دیگر همان سان که «بنی آدم اعضای یکدیگرند»، تمام حیوانات عضو یک محیط زیست (اکوسیستم) مشترک هستند و به شیوه های گوناگون از آن تأثیر می پذیرند. این حیوانات اگر چه از هم ظاهراً متمایز هستند لیکن پایه و منشأ و ریشه و بنیاد و نحوه رشد کاملاً مشابهی دارند. از طرف دیگر، نه تنها قلب و شش و کبد و کلیه و مغز و غیره، بلکه جمیع یکصد تریبون یاخته های بدن نیز می بایستی با هم همکاری و همیاری کنند تا ما زنده بمانیم و از موهبات زندگانی بهره مند گردیم. سموم شیمیایی خطوط ارتباطات بین یاخته ها را مخدوش می سازند که نتیجه آن ایجاد هرج و مرج و اغتشاش در اعمال فیزیولوژیک بدن است. و فراموش نکنیم که ما و کلیه جانداران (و سرتاسر گیتی) جلگلی آفریدگان آن منبع لایتنهای عشق و

دنیای پزشکی

دکتر فریدون منسوبی با همکاری دکتر شروین منسوبی و دکتر مهتری منسوبی

دکتر فریدون منسوبی به خوانندگان با وفای پژواک درود می فرستد و با نگارش این سلسه مقالات، صحت و سلامت را که لازمه یک زندگانی توأم با کامرانی است به رسم ارمغان به شما عزیزان تقدیم می دارد.

«صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست»

بهار صامت

دیار است زیرا که در هیچ جای دیگر این همه «زهر» قاطی اغذیه نمی کنند. روی این اصل است که ممالک مترقی دیگر چون اروپا، استرالیا، ژاپن، و کره جنوبی، حاضر به خرید گوشت «ساخت» آمریکا نیستند.

دوستی دیگر از سر خیرخواهی گوشزد کرد: «مواظب باش با این حرف ها کار دست ندهی». در جواب گفتم: «من عمری را در خدمت خلق سپری ساخته ام و اینک نیز با تمامی دل و جان توانا میم هر آنچه به نفع بشریت است انجام می دهم و باکی هم ندارم.»

یکی دیگر که همچو من دلباخته ادب پارسی بود ندا در داد: «من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پندگیری یا که ملال.»

گفتم: «من آن کنم که خداوند گار فرماید هزار شکر که یاران راه بی گنهند»

گفتا: «بیافتد آنکه در این راه با شتاب رود»

گفتم: «حیف اوقات که یکسر به بطالت برود»

گفتا: «نا یافته دم دو گوش گم می کنی»

گفتم: «خر ما زرگری بیدم بود»

گفتا: «زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد»

گفتم: «عاشق چه کند گر نخورد تیر ملامت»

گفتا: «هزار خرمن علمت به نیم جو نخرند»

گفتم: «حقا که چنین است و در این چون و چرا نیست!»

گفتا: «این شاخ ار دهد باری پشیمانی بود.»

گفتم: «تا خود درون پرده چه تدبیر می کنند»

گفتا: «که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود»

گفتم: «این کسی گفت که در علم بدن بینا بود»

گفت: «آن یار کز او گشت سردار بلند

جرمش آن بود که اسرار هویدا می کرد»

گفتم: «تا بود فلک پیشه من پرده دری بود

هرچه کردیم به چشم کرمش زیبا بود»

گفتا: «سببی ساز خدایا که پشیمان نشود»

گفتم: «نیت خیر مگردان که مبارک فالی است»

گفتا: «در بزم حریفان اثر نور و صفا نیست»

گفتم: «در هیچ سُرّی نیست که سری ز خدا نیست»

گفتا: «این سالکان نگر که چه با پیر می کنند»

گفتم: «مال دل درویش دارم هرچه پیش آید خوش آید»

گفتا: «درویشی خاککی است بیخته»

در مقاله پیشین، که به نیت جلب توجه شما عزیزان، در مایه های رومانیتیک (۱) و احساس برانگیز پرورده شده بود، خواندیم که کثرت سموم شیمیایی در غذا و آب و هوا سایه تاریکی روی سلامت انسان ها و محیط زیست ما افکنده است. این شبیح روز بروز عظیم تر می شود و حیات جانداران را سخت تهدید می کند. و نیز دانستیم که گوشت حیواناتی که به طور طبیعی تغذیه نشده اند، هرگز آزاد نبوده اند، و به انواع داروهای ضد حیات و هرمون های مصنوعی آلوده اند، عاری از طعم و خاصیت طبیعی خواهد بود. غذای این حیوانات اسیر اکثراً از نوع GMO (۲) می باشد. به آنها هرمون «استروژن» و هرمون رشد مصنوعی (۳) تزریق می کنند. به ماکیان اکثراً اجازه خوابیدن نمی دهند. بنابراین گوشت و تخم مرغ آنها مالا مال از هرمون های استرس نظیر آدرنالین و کورتیزون است. برای «حسن ختام»، این گوشت ها را قبل از بسته بندی کردن در خزینه ای از سموم دیگر وارد می کنند تا ظاهری آراسته تر را به خود گرفته و فساد ناپذیر هم بشوند. (۳)

واما ماهی ها، کدام ماهی ها؟ آن ماهی های زرد براق و سرخ میخکی که در فروشگاه ها به شما چشمک می زند اغلب «ساخت» چین هستند که در پشت دیوار عظیم آن کشور در تالاب های بتمام معنی پلید و مملو از سموم گوناگون "پرورده" شده اند. میگوها هم اکثراً از ویتنام و بنگلادش وارد می شوند که با دسترنج بچه های برده در شرایط مشابهی تولید شده اند. لطفاً توجه بفرمائید که غرض بنده از ذکر این مطالب خدای نکرده کور کردن اشتهای شما و یا انتقاد از چیزی یا کسی نیست بلکه اشاره ای به واقعیات موجود و نیز این حقیقت است که بدون تغذیه سالم، حصول و حفظ سلامتی عملاً ناممکن است. همچنین اگر همه ما، در مقام «مصرف کننده»، از ابتیاع اغذیه آلوده امتناع کنیم «آنها» چاره ای نخواهند داشت که رویه خود را تغییر داده غذاهای سالمتری را عرضه کنند.

علت چاقی های مفرط سموم شیمیایی است

یکی از دوستان که اخیراً از سفر استرالیا برگشته بود تعریف می کرد که در طول سه ماه اقامت در آن دیار «ما تحت دنیا» بدون هیچ کوششی، نزدیک به سی «پاوند» وزن کم کرده بود ولی طرف یک ماه پس از مراجعت دوباره به همان اندازه چاق شد. این حکایت، به عقیده دیرین بنده صحت می گذارد: علت چاقی های مفرط همانا وجود مواد سمی در غذاهای این

تولد، ازدواج، خرید خانه

اینها جزو مهمترین اتفاقات زندگی ما هستند.

اجازه می خواهیم بر شالوده صداقت و تجربه، بهترین تلاش خود را در امور املاک و وام به شما هموطن گرامی تقدیم کنیم.

**Residential & Commercial Specialist,
Serving the Entire Bay Area**

Mali Azar **ملیح آذر**
مشاور وام و املاک

با تشکر از همه هموطنانی که در سال ۲۰۰۷

افتخار همکاری را به من دادند.

(408) 722-7060 & (408) 506-6164

E-mail: maliazar@yahoo.com

6489 Camden Ave. Suite 104, San Jose, CA 95120

